



همخوانی نزول سوره‌ی آل عمران با حوادث مرتبط با مشرکان، منافقان و اهل کتاب

زینب علی‌نقی^۱

چکیده

سوره‌ی آل عمران از جمله سوره‌های مدنی قرآن است که احتمال نازل شدن همه‌ی آیات آن به یکباره به دلیل وجود به هم پیوستگی و انسجام و تناسب تام بین ۲۰۰ آیه‌ی آن، بسیار به ذهن نزدیک است. بررسی مجموعه آیات این سوره، حاکی از این است که فضای نزول آن، ناظر به اوصاف و شرایط و رخداد‌های ویژه‌ای است که در طول نزول این سوره اتفاق افتاده است. محتوای اصلی سوره‌ی آل عمران ناظر به دعوت مؤمنان به اتحاد و صبر در برابر دشمنان اسلام می‌باشد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تدوین شده است و در پی پاسخ به این پرسش است که دلیل وجود همخوانی بین نزول سوره‌ی آل عمران با حوادث مرتبط با مشرکان، منافقان و اهل کتاب، چیست؟ برآیند و حاصل این تحقیق این است که وجود ارتباط بین مفاد آیات سوره‌ی آل عمران با کارکردهای هر یک از طوایف یادشده در زمان نزول آن‌ها، حقیقتی تردیدناپذیر می‌باشد و طرح مباحث متنوعی همانند: توحید، صفات متنوع خداوند، معاد، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی، تبری و حج و نیز بیان تاریخ انبیایی مانند آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و داستان حضرت مریم و عبرت‌های غزوه احد و غزوه بدر در خلال این سوره، می‌تواند شاهدی بردرستی نتیجه مذکور باشد.

واژگان کلیدی

تأثیر فضای نزول، سبب نزول، سوره‌ی آل عمران، شان نزول.

مقدمه

قرآن کتاب هدایت است و هر سوره‌ی آن، بخشی از هدایت‌گری قرآن را برعهده دارد، بدین جهت با کشف ارتباط بین آیات سوره‌ی آل‌عمران با حوادث زمان نزول آن‌ها، ساختار هدایتی این سوره، آشکار شده و گامی در جهت شناسایی روش‌های سیاسی، اجتماعی و تربیتی قرآن برداشته خواهد شد.

سراسر آیات سوره‌ی «آل‌عمران»، مدنی است، اما نباید آن را از سوره‌های نخستینی دانست که در مدینه نازل شدند، چراکه این سوره پس از گذر مدتی طولانی - که مسلمین طی این مدت در مدینه به‌سر بردند- نازل گردیده است. ضمن همین مدت طولانی بود که رویدادهای مربوط به فتح و پیروزی و یا هزیمت و شکست مسلمین، دگرگونی مطلوبی در حالاتشان به‌ارمغان آورده، و اوضاع را متحول ساخت. مسلمانان آشکارا با اهل کتاب حشر و نشر داشتند و میان آن‌ها در زمینه‌ی دعوت اسلامی و احکام و تعالیم مربوطه، منازعات و احتجاجاتی جریان یافت. در سوره‌ی آل‌عمران، از غزوات بدر و احد و حمراء الاسد و بدر اخیر که در شعبان سال چهارم هجری روی داد، سخن رفته است. خدای متعال، در خلال این سوره‌ی مبارکه، مؤمنین را به توحید کلمه و صبر و ثبات در دفاع از اسلام و تقویت آن دعوت می‌کند و آنان را به حساسیت موقعیشان در برابر دشمنانی مانند یهودیان و مسیحیان و مشرکان، که در آن زمان، عزم خود را بر مبارزه با اسلام جزم کرده بودند، متوجه می‌سازد و حقایق دین را به ایشان تذکر می‌دهد و شبهات و وسوسه‌های منکران را از دل‌های آنان می‌زداید (موسوی بجنوردی و همکاران، ۱۹۹۸: ۴۴۱/۲).

تعامل فضای نزول سوره‌ی آل‌عمران با معارف آن را می‌توان از یک سو در تأسیس کانون وحدت ملی میان مسلمانان مدینه و دستور به اعتصام همگانی به حبل‌المتین الهی و از ناحیه‌ی دیگر، در تشکیل جبهه اتحاد منطق‌های بین امت اسلامی و نصارا و یهود به‌باور کردن توحید و نفی شرک و نپرسیدن جز خدا و نفی رژیم ارباب و رعیتی بررسی کرد و تعامل فرهنگی متقابل را در گفت و گو و گفت‌مان و مناظره و محاجه‌های این سوره مشاهده نمود.

الاحزاب

الف: مفهومی‌شناسی

در ابتدا معنای واژگان کلیدی که در این پژوهش مورد استناد و بررسی ما قرار گرفته‌اند را بررسی می‌کنیم.

سوره

برای سوره در لغت، معانی ششگانه‌ای ذکر کرده‌اند؛ فضل و منزلت، شرف، علامت و نشانه، ساختمان زیبا و برافراشته، هر رده از رده‌ها و رگه‌های دیوار، قسمت مجزا از دیگری (شرتونی، ۱۳۹۲: ۱/۵۵۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲/۵۳) و در اصطلاح و عرف مسلمانان، سوره عبارت است از، مجموعه‌ای از آیات که کمیت و آغاز و انجام آن توقیفی و بر پایه‌ی وحی است و بر این اساس، به هر یک از فصول و بخش‌های صد و چهارده‌گانه‌ی قرآن مجید، «سوره» گفته می‌شود. هر یک از سوره‌های قرآن، یک هدف یا چند هدف را تعقیب می‌کند و معارفی خاص را دربر دارد و با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌شود، مگر سوره‌ی توبه (جوادی آملی، بی‌تا: ۲/۴۱۰).

سبب نزول و شان نزول

واژه‌های بعدی، «سبب نزول» و «شان نزول» هستند. در نگاه مفسران، به‌ویژه مفسران متأخر «سبب نزول» عبارت است از: «هر رویداد یا پرسشی در زمان پیامبر ﷺ که به اقتضای آن آیه یا آیاتی از قرآن هم‌زمان، یا در پی آن نازل شده است» (جوادی آملی، بی‌تا: ۲/۴۱۰) و شان نزول از نظر برخی از پژوهش‌گران، عبارت است از: «همه‌ی اشخاص یا حوادثی که قبل از عصر نزول قرآن، یا معاصر با نزول قرآن بوده و آیه یا آیاتی از قرآن درباره‌ی آن نازل شده است؛ همچنین در مورد اشخاص یا حوادثی که پس از نزول آیات قرآن بوده و آیاتی از قرآن بر آن‌ها تطبیق داده شده نیز شان نزول صادق است. درحالی‌که سبب نزول تنها به‌پیش آمده‌هایی گفته می‌شود که در پی آن آیه یا آیاتی نازل شده است (شاهین، ۲۰۰۵: ۶۵-۶۶ و معرفت، ۱۴۲۸: ۱/۲۵۴). آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، ضمن آن‌که دو اصطلاح «سبب نزول» و «شان نزول» را یکی دانسته، اصطلاح «فضای نزول» را در این حوزه افزوده است. مطابق نظر ایشان، «مفسران قرآن کریم، عنایت و اهتمام ویژه‌ای به تبیین شان و سبب نزول آیات قرآن

نشان داده‌اند، ولی از «فضای نزول»، که مربوط به مجموع یک سوره است، غافل شده‌اند و آن را در تفاسیر خود مطرح نکرده‌اند. ایشان معتقدند که فرق شان نزول با فضای نزول در این است که شان نزول یا سبب نزول، حوادث، مناسبت‌ها و عواملی است که در عصر پیامبر اکرم ﷺ در محدوده‌ی حجاز یا خارج از آن رخ داده و زمینه‌ساز نزول یک یا چند آیه از آیات قرآن کریم شده است، اما فضای نزول، بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج از آن حاکم بوده است (جوادی آملی، بی تا: ۱، پیشگفتار مفسر).

آل عمران

«آل عمران» کسانی هستند که از طریق نسب یا به واسطه دیگری همچون علم و تقوی با «عمران» (پدر حضرت مریم علیها السلام) پیوند دارند. بر این اساس مقصود از آل عمران در آیه **﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ﴾** حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام یا آن دو به همراه همسر عمران می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۷/۳). اگر معنی آل را خانواده بگیریم. در این پژوهش ما به دنبال تأثیر فضای نزول، بر معارف و مفاهیم سوره‌ی آل عمران هستیم.

در این مقاله طی سه عنوان، فضای نزول آیات سوره‌ی آل عمران که مرتبط با کارکردهای مشرکان، منافقان و اهل کتاب می‌باشد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یک: همخوانی مفاد نزول آیاتی از سوره‌ی آل عمران با کارکرد مشرکان

از آنجا که قرآن کریم به مسأله‌ی توحید و یگانگی خدا عنایت ویژه‌ای دارد، با افرادی که به هر نحو این اصل را زیر پا نهاده و بنا به دلایل مختلف به مخالفت با این رکن عظیم نظام هستی پرداخته‌اند، به مبارزه و روشنگری برخاسته و با روش‌های متفاوت به بررسی و ابطال عقاید آنان پرداخته است؛ لذا قسم اعظمی از آیات را به این قشر از انسان‌ها اختصاص داده و وضعیت دنیوی و اخروی آن‌ها را به نمایش گذاشته است. در آیات سوره‌ی آل عمران نیز، بسیار به حوادث مشرکان و اقدامات آنان علیه مسلمانان پرداخته شده است. در ادامه برخی از این اقدامات بازگو می‌شود:



دو: همخوانی مفاد نزول آیاتی از سوره‌ی آل‌عمران با برخی از حوادث واقع بدر

به‌گفته‌ی برخی از مفسران، «سوره‌ی آل‌عمران، در خلال جنگ بدر و جنگ احد، یعنی سال‌های دوم و سوم هجری، نازل شده و بخشی از حساس‌ترین دوران زندگی مسلمانان و مقابله با مشرکان را در صدر اسلام نشان می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲/۴۰۸). علامه طباطبایی، «هدف اصلی این سوره را دعوت مؤمنان به اتحاد و صبر و استقامت در برابر مشرکان دانسته است. به‌نوشته‌ی او این سوره از مسلمانان می‌خواهد تا یکدیگر را به‌صبر سفارش کنند. سپس برای رهایی آن‌ها از شبهات دینی و وسوسه‌های شیطانی، حقایق دین را به‌آن‌ان یادآوری می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۵-۶).

غزوه‌ی بدر، نخستین و مهم‌ترین جنگ، میان مسلمانان و کافران قریش است. که خداوند در قرآن از آن نام برده ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل‌عمران: ۱۲۳) در خلال آیات ۱۲۶-۱۲۳ از همین سوره، به‌جریاناتی که در این غزوه گذشته پرداخته شده است. در این سوره، آیاتی که آمده در حقیقت ضمیمه‌ای برای تکمیل داستان جنگ بدر است و جنبه‌ی شاهد برای آن قصه دارد، نه اینکه مقصود اصلی داستان بدر باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۱۵-۴۵).

امدادهای الهی در جنگ بدر به‌حدی بود که در جنگ‌های بعدی با این وسعت، کمتر شاهد آن می‌باشیم و از این‌رو، شاید بتوان گفت که نزول آن‌ها تابعی از کیفیت انگیزه و نیز چگونگی توکل مؤمنان بر خداوند باشد. در این جنگ که اولین جنگ مسلمین محسوب می‌شد، طبیعی است که مسلمین با نگاه مادی که در جنگ‌های جاهلیت تجربه‌کردند، دشمنان خود را ارزیابی کنند، و تعداد افراد دو طرف و جنگ افزارهای آنان معیار مقایسه و تخمین پیروزی و شکست باشد. در این فضا و تفکر غالب خداوند این آیه را فرستاد: ﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل‌عمران: ۱۲۵) یعنی آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به‌همین زودی به‌سراغ شما بیاید، خداوند شما را به‌پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد. البته اسباب و علل، منحصر به‌علل مادی نیست و نزول امدادهای غیبی نیز جزو سلسله علل حوادث به‌شمار می‌آید که می‌توان با توجه به آیات

قرآنی، به صورت ضابطه‌مند از آن بهره گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳/۲۱۹-۲۲۰).

مسلمانان، قبل از شروع جنگ بدر، بیمناک و مضطرب بوده و از خدا کمک و یاری می‌طلبیده‌اند. «رسول خدا ﷺ نیز در خطابه‌ای خود، آنان را به جنگ تحریض و به ثواب ترغیب و بارها برای پیروزی ایشان دعا کرد. پیامبر ﷺ چون کمی یاران خود و کثرت سپاه قریش را دید از خدا کمک خواسته» (طوسی، ۱۳۸۹: ۵/۸۴) از این رو در روز بدر چون لحظاتی خواب بر ایشان مستولی شد، خدا دشمنان را در نظر او کم‌شمار جلوه داد تا مانع از اختلاف و سستی مؤمنان در جنگ بدر شود. با شروع جنگ، اندک‌نمایی دو جانبه، تمام شد و کافران، مجاهدان غزوه‌ی بدر را دو برابر دیدند. این موضوع در آیه‌ی سیزده از سوره‌ی آل‌عمران، چنین بیان شده است: ﴿يُرَوُّنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ﴾ [مشرکان] به چشم خویش ایشان را دو برابر می‌دیدند ﴿آل‌عمران: ۱۳﴾.

خداوند در آیه‌ی ۱۲۵ از سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به‌همین زودی به‌سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد ﴿

در آیه‌ی فوق، خداوند به مؤمنان وعده داده است که چنانچه صبر و تقوا پیشه کنند، تعداد سه هزار فرشته، که در آیه‌ی قبل، آمد به پنج هزار فرشته افزایش یابد (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱/۸۲۸).

سه: هم‌خوانی مفاد نزول آیاتی از سوره‌ی آل‌عمران با برخی از حوادث واقعه احد
خداوند در سوره‌ی آل‌عمران از چند زاویه، به‌بیان دلایل شکست مسلمانان، در غزوه‌ی احد، پرداخته است. آیات ۱۲۱ تا ۱۷۱ سوره‌ی آل‌عمران، در ارتباط با این غزوه نازل شده است. غزوه‌ی احد یکی از غزوات مهم در صدر اسلام است. اهمیت این غزوه در روند نزاع‌های متقابل میان مسلمانان و مشرکان، برای همه‌ی مسلمانان در گذر تاریخ شناخته شده بوده است. این غزوه یک‌سال و بیست روز پس از جنگ بدر به‌وقوع پیوست.

غزوه‌ی احد از غزوات مشهور پیامبر ﷺ با مشرکان مکه است. قریشیان پس از شکست در غزوه‌ی بدر و به‌خون‌خواهی کشتگان بدر، آماده‌ی نبردی دیگر به‌فرماندهی ابوسفیان

الاحزاب

شدند. نقشی پیامبر ﷺ و بزرگان و مهاجران و انصار این بود که برای نبرد از مدینه خارج نشوند، ولی جوانان و حمزه عموی پیامبر ﷺ، خواهان جنگ در بیرون مدینه بودند. سرانجام پیامبر ﷺ تصمیم آنان را پذیرفت. ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و مؤمنین سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید﴾ (آل عمران: ۱۳۹).

در آن هنگام طلحه که یک مبارز معروف و قدر از کفار قریش بود، امام علی علیه السلام را به جنگ طلبید و در نهایت، امام علی علیه السلام به میدان رفت و او را شکست داد. با شکست او، مسلمانان خوشحال و پیروز، تکبیر گفتند و امید در دلشان افزایش یافت. سپس بلافاصله حمله کرده و سپاه دشمن را در هم کوبیدند. اما در نهایت، تیراندازان تمام این زحمات را بر باد دادند. طبق روایت شیخ مفید از ابن مسعود، پریشانی مسلمانان به جایی رسید که همگی گریختند و جز علی علیه السلام، کسی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نماند. ﴿إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ آن هنگام که دو گروه از شما بر آن شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند﴾ (آل عمران: ۱۲۲).

شایعه‌ی بی‌اساس شهادت پیامبر ﷺ در احد عده‌ی زیادی از مسلمانان را به وحشت افکند تا آنجا که از میدان جنگ فرار کردند و حتی بعضی می‌خواستند از اسلام هم برگردند، در این آیه مجدداً برای تشبیه و بیداری این دسته می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا﴾ بنابراین اگر پیامبر ﷺ در این میدان شربت شهادت می‌نوشید چیزی جز انجام یافتن یک سنت الهی نبود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/۳۳۶).

چهار: همخوانی مفاد نزول آیاتی از سوره آل عمران با کارکرد منافقان

برای هر راه و مسلکی، موانعی وجود دارد. در دین اسلام، بالاترین دشمن و خطرناکترین بلای جامعه‌ی اسلامی، مربوط به دشمن داخلی یعنی مسأله‌ی نفاق است. در طول تاریخ اسلام هرگاه جامعه‌ی اسلامی با فتنه‌ای مواجه شده است، به‌خاطر وجود دو عامل بوده است. یکی جهل عوام و دوم نفاق خواص. هرگاه نفاق خواص برگردی جهالت توده‌ی مردم سوار شود، حتماً ایجاد فتنه می‌کند. در زمان کنونی و در آینده نیز بالاترین خطر، فتنه مذهبی

است که نفاق خواص از جهالت عامه‌ی مردم، سوء استفاده می‌کند. بدون تردید منافق از زمره‌ی کافران است و بهره‌ای از ایمان در قلب خود ندارد، ولی نقاب مسلمانی بر چهره می‌کشد و خود را مسلمان معرفی می‌نماید. در صدر اسلام، منافقان بسیاری در مدینه، همراه پیامبر ﷺ و میان اصحاب آن حضرت بودند. اینان برای نابودی اسلام نقشه‌ها کشیدند و ماجراها آفریدند. تحرکات منافقان در زمان نزول سوره‌ی آل عمران، سببی شده است تا خداوند آیاتی پیرامون آنان نازل کند خداوند در آیاتی از سوره‌ی آل عمران، به این مهم پرداخته است. قرآن کریم در آیاتی از سوره‌ی آل عمران، به این نفاق‌ها در قالب نفاق بینشی و گرایش و نفاق اخلاقی و رفتاری، پرداخته است.

بازگویی نفاق بینشی و گرایش منافقان

نفاق بینشی، به این معناست که انسان، در باطن کافر و مشرک و مادی‌گرا و منحرف باشد، ولی در ظاهر اظهار اسلام و ایمان کند. این نوع از نفاق اعظم و اشد و اقبیح اقسام کفر است. زیرا علاوه بر کفر باطنی، شامل مکر و حيله و خدعه نسبت به مسلمانان نیز می‌باشد (طیب، بی تا: ۱/ ۳۰۵-۳۰۳).

در تفاسیر می‌خوانیم که «پیامبر اسلام ﷺ پس از آنکه مکه را فتح کرد، وعده‌ی فتح ایران و روم را به مسلمانان داد. در آن موقع منافقان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کردند که این آیه نازل شد. گروهی از مفسران، نزول آیه را در موقع حفر خندق دانسته‌اند. آن زمان که پیامبر ﷺ کلنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه‌ای برخاست، فرمود: من در این جرقه‌ها فتح کاخ‌های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم. منافقان با شنیدن این سخن، لبخند تمسخر می‌زدند که این آیه نازل شد. آنچه در این آیه در مورد اعطای عزت و ذلت از جانب خداوند آمده، طبق قوانین و سنت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی را عزیز یا ذلیل نمی‌سازد (قرآنی، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۹۲). همان‌گونه که خدای تعالی می‌فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَزُفُّ مِنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ بگو بار خدایا تویی که

فرمان‌فرمایی هر آن کس را که خواهی فرمان‌روایی بخشی و از هر که خواهی فرمان‌روایی را بازستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه‌ی خوبی‌ها به‌دست توست و تو بر هر چیز توانایی، شب را به‌روز در می‌آوری و روز را به‌شب در می‌آوری و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی و هر که را خواهی بی‌حساب روزی می‌دهی ﴿آل‌عمران: ۲۶-۲۷﴾

بازگویی نفاق اخلاقی و رفتاری منافقان

نفاق اخلاقی یعنی باطنا متخلّق به‌اخلاق حمیده نباشد، ولی در ظاهر چنین نمایش دهد که دارای اخلاق حمیده است. مثل این که در باطن زهد و خوف از خدا و محبت خدا و سخاوت و توکل و خشوع و امثال این صفات را ندارد، ولی در ظاهر خود را زاهد و خائف و محبّ خدا و سخی و متوکل و خاشع و نظائر این‌ها نشان می‌دهد (طب، بی‌تا: ۱/ ۳۰۵-۳۰۳). روسای یهود مانند کعب و ابورافع و ابویاسر و کنانه و ابن‌صویرا، نزد عبدالله سلام و یاران او که قبلاً یهودی بودند و مسلمان شده بودند آمدند و آنان را بر اسلام آوردن سرزنش می‌نمودند. سپس آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ از سوره‌ی آل‌عمران، نازل گردید (محقق، ۱۳۸۴: ۱۴۰). در واقع اینان کافرانی بودند که در رفتار خود نفاق داشتند. خداوند در این آیات می‌فرماید:

﴿لَنْ يَصُرُّوكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَإِنْ يَقَابِلوكُمْ يُولُوكُمُ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ - صُورِبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَيَاءُ وَابِعَضِبِ مِنَ اللَّهِ وَصُورِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ؛ جز آزاری [اندک] هرگز به‌شما زبانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند به‌شما پشت نمایند سپس باری نیابند - هر کجا یافته شوند به‌خواری دچار شده‌اند مگر آنکه به‌پناه امان خدا و زینهار مردم [روند] و به‌خشمی از خدا گرفتار آمدند و [مهر] بینوایی بر آنان زده شد این بدان سبب بود که به‌ایات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند [و نیز] این [عقوبت] به‌سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه در می‌گذرانیدند (آل‌عمران: ۷).

این آیات در حقیقت متضمن چند پیشگویی و بشارت مهم به‌مسلمانان است که همه‌ی آن‌ها در زمان پیامبر ﷺ عملی گردید: اهل کتاب هیچ‌گاه نمی‌توانند ضرر مهمی به‌شما

برسانند و زیان‌های آن‌ها جزیی و زودگذر است، هرگاه در جنگ با شما رو برو شوند سرانجام شکست خواهند خورد و پیروزی نهایی از آن شماست و کسی به حمایت از آنان بر نخواهد خاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۳۲۰).

منافقان دشمنان داخلی حکومت اسلامی بودند و بسیار مسئله ساز. این پدیده که خطرهای زیادی در پی داشت و ممکن بود سرنوشت حکومت اسلامی را به گونه‌ی دیگری رقم بزند، اما تدبیر پیامبر ﷺ موجب شد بدون پرداختن به مبارزه‌ی رسمی با آنان، زمینه‌ی انقباض و انزوایشان فراهم گردد. خدای تعالی در آیاتی از سوره‌ی آل عمران، چگونگی برخورد منافقان را این گونه بازگو می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا صَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غَزَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَخِيبُ وَيَمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند] گفتند اگر نزد ما [مانده] بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند [شما چنین سخنانی مگویید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد و خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست. و بدین وسیله مسلمانان را از این صفات مطلع ساخته و به ایشان اخطار می‌دهد (آل عمران: ۱۵۶).

جنگ احد از دو نظر برای مسلمانان فوق‌العاده اهمیت داشت؛ نخست اینکه آینه‌ی تمام‌نمایی بود که می‌توانست چهره‌ی واقعی مسلمانان آن زمان را منعکس سازد و آن‌ها را وادار به اصلاح وضع خود و برطرف ساختن نقاط ضعف بنماید و به همین جهت قرآن فوق‌العاده روی آن تکیه کرده و در آیات بسیاری از آن استفاده‌ی تربیتی می‌کند. از سوی دیگر، این حادثه زمینه را برای سمپاشی دشمنان و منافقان آماده ساخت و به همین دلیل، آیات زیادی برای ختنی کردن این سمپاش‌ها نازل گردید که آیه‌ی فوق از آنها است. در این آیه، به منظور درهم کوبیدن فعالیت‌های تخریبی منافقان و هشدار به مسلمانان می‌گوید: «گرچه آن‌ها این سخنان را در لباس دلسوزی ایراد می‌کنند، اما نظری جز مسموم ساختن روحیه‌ی شما ندارند و نباید شما تحت تأثیر این سخنان مسموم قرار گیرید و چنین جمله‌هایی بر زبان

آرید. چرا که طبعاً روحیه‌ی شما بر اثر تکرار سخنان آنان ضعیف گشته و از رفتن به میدان جهاد و سفر در راه خدا خودداری خواهید کرد و آن‌ها به هدف خود می‌رسند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۹-۳۷). خدای تعالی سخن منافقین را برای مسلمانان با ذکر مصداقی، روشن می‌سازد و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ همان کسانی که [خود در خانه] نشستند و درباره‌ی دوستان خود گفتند اگر از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند، بگو اگر راست می‌گویید مرگ را از خودتان دور کنید﴾ (آل عمران: ۱۶۸).

منافقان علاوه بر اینکه خودشان از جنگ احد کناره‌گیری می‌کردند، سعی در تضعیف روحیه‌ی دیگران نیز نمودند؛ به‌هنگام بازگشت مجاهدان زبان سرزنش به‌آن‌ها گشودند و گفتند: اگر آن‌ها از فرمان ما پیروی کرده بودند، کشته نمی‌دادند. قرآن در آیه‌ی فوق، به‌گفتار بی‌اساس آنان پاسخ داده و می‌گوید: ﴿الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا...﴾ یعنی در حقیقت با این ادعا، خود را عالم غیب و باخبر از حوادث آینده می‌دانید، کسی که چنین است باید علل و عوامل مرگ خود را بتواند پیشینی و خنثی کند، آیا شما چنین قدرتی دارید؟

نکته‌ی دیگر که از این آیه استنباط می‌شود این است که از مؤمنان تعبیر به‌برادر منافقان شده است. درحالی‌که مؤمنان هرگز برادر منافقان نیستند. این یک نوع سرزنش به‌آنها است که شما مؤمنان را برادر خود می‌دانستید، چرا در این لحظات حساس، دست از حمایت آن‌ها برداشتید و لذا بلافاصله بعد از تعبیر «إخوانهم» عبارت «وقعدوا» آمده، آیا انسان ادعای برادری می‌کند و بلافاصله از حمایت برادر خود باز می‌نشیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۱-۴۰).

حوادث هم‌خوانی مفاد نزول آیاتی از سوره‌ی آل عمران با کارکرد کارکرد اهل کتاب

پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی در مدینه گروه‌های متعددی در برابر پیامبر ﷺ صف‌آرایی نمودند که از جلوه‌های بارز آن قوم یهود و مسیحیت ساکن در مدینه و حوالی مدینه بودند. تعامل پیامبر ﷺ با یهودیان و مسیحیان و سیاست‌های ایشان در مقابل حرکات و سکنات این قوم گستاخ از جهات بسیار قابل‌تأمل است. در سوره‌ی آل عمران، در آیات متعددی به‌آن پرداخته است؛ از جمله: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ

عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ... فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ بگو ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟ و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می‌دهید! بگو ای اهل کتاب! چرا افرادی که ایمان آورده‌اند، از راه خدا باز می‌دارید ﴿آل عمران: ۹۸-۱۰۱﴾ یعنی به راهی راست، هدایت شده است.

از ابن عباس نقل شده آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ از سوره آل عمران، هنگامی نازل شده، که عده‌ای از مسلمانان با یهودیان، (به سبب قرابت، یا همسایگی، یا حق رضاع و یا پیمانی که پیش از اسلام بسته بودند) دوستی داشتند و به قدری با آن‌ها صمیمی بودند که اسرار مسلمانان را به آنان می‌گفتند، بدین وسیله قوم یهود که دشمن سرسخت اسلام و مسلمین بودند و به ظاهر خود را دوست مسلمانان قلمداد می‌کردند، از اسرار مسلمانان مطلع می‌شدند. این آیات نازل شد و به آن عده از مسلمانان هشدار داد که چون آنان در دین شما نیستند، نباید آن‌ها را محرم اسرار خود قرار دهید؛ زیرا آنان درباره‌ی شما از هیچ شرّ و فساد کوتاهی نمی‌کنند، آنان می‌خواهند شما همیشه در رنج و عذاب باشید (طبرسی، ۱۳۸۰: ذیل آیه‌ی ۱۱۸؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۸/۲۲؛ طبری، ۱۴۲۴: ۴/۸۲).

یک

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُومًا مَا عَيْنُهُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءَ مِنْ أَقْوَاهُمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْبَيْنًا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تُعْقِلُونَ - هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُوْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لُفُّوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوايَعِظُكُمُ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ - إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصِيبُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضْرِبُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنْ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هر گونه شرّ و فسادی درباره‌ی شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (وراه‌های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید. - شما کسانی هستید که آن‌ها را

دوست می دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست نمی دارند! ﴿آل عمران: ۱۲۰-۱۱۸﴾.

«سیمای تهاجم فرهنگی و توطئه‌های دشمن، برای بی‌دین کردن مسلمانان را در آیه‌ی ۶۹ از سوره‌ی آل عمران و سه آیه‌ی بعد می‌بینیم. این آیه خبر از کینه‌های مکتبی، آیه‌ی بعد خبر از لجابت و کفر، آیه‌ی هفتاد و یکم خبر از شیوه‌ی حق‌پوشی و کتمان آگاهانه، و آیه‌ی هفتاد و دوّم خبر از تاکتیک فریبنده‌ی دشمن می‌دهد که مجموعاً یک تهاجم فرهنگی بر خاسته از باطن تاریک آنان و بکارگیری شیوه‌های کتمان، زیر سؤال بردن و تضعیف و تزلزل عقاید توده‌ی مردم است» (قرآنی، ۱۳۸۷: ۵۳۸/۱).

دو

﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ؛

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند؛ (اما) آن‌ها باید بدانند که نمی‌توانند شما را گمراه سازند) آن‌ها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و نمی‌فهمند! ﴿آل عمران: ۶۹﴾.

سه

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْتُوا وَ يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ- وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ گمان مبر آن‌ها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می‌شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آن‌ها، عذاب دردناکی است! و حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خداست و خدا بر همه چیز تواناست ﴿آل عمران: ۱۸۹-۱۸۸﴾.

محدثان و مفسران شان نزول‌های متعددی برای آیه‌ی فوق نقل کرده‌اند. برخی از یهود به‌هنگامی که آیات کتب آسمانی خویش را تحریف و کتمان می‌کردند و به‌گمان خود، از این رهگذر نتیجه می‌گرفتند، از این عمل خود بسیار شاد و مسرور بودند، و در عین حال دوست می‌داشتند، مردم آن‌ها را عالم و دانشمند و حامی دین و وظیفه‌شناس بدانند، آیه‌ی

فوق نازل شد، و به پندار غلط آن‌ها پاسخ گفت» (مجلسی، بی تا: ۱۷۷/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۸۰: ذیل آیه؛ طبری، ۱۴۲۴: ۴/۱۳۶).

آیهی فوق، گرچه درباره‌ی دانشمندان اهل کتاب (یهود و نصاری) وارد شده ولی در حقیقت اختطاری به تمام دانشمندان و علمای مذهبی است که آن‌ها موظفند در تبیین و روشن ساختن فرمان‌های الهی و معارف دینی بکوشند، و خداوند از همه‌ی آن‌ها پیمان مؤکدی در این زمینه گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴/ ذیل آیات ۱۸۹-۱۸۸ از سوره‌ی آل عمران).

چهار

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَمْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست ﴿(آل عمران: ۷۷).

عکرمه گوید: «درباره‌ی جماعتی از یهود مانند حیی بن اخطب و کعب بن اشرف و ابو رافع و کنانه بن ابی الحقیق نازل گردید؛ که بنا به قول حسن بصری اینان با دست خود چیزهایی می‌نوشتند و می‌گفتند از جانب خدا است» (محقق، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

پنج

﴿لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ همه شما در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید؛ و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شده [= یهود]، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید؛ و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است ﴿(آل عمران: ۱۸۶).

وقتی مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، مشرکان به اموال آنان یورش برده و



به هر کس که دست می‌یافتند، او را مورد آزار قرار می‌دادند. از طرف دیگر، در مدینه هم یهودیان به آن‌ها زخم زبان می‌زدند و حتی برخی با کمال بی‌شرمی برای زنان و دختران مسلمان، غزل سرایی کرده و یا آن‌ها را هجو می‌نمودند. سردمداری این جریان با شخصی به نام کعب بن اشرف بود که رسول خدا ﷺ دستور قتل وی را داده بود. این آیه ضمن تسلّی دادن به مسلمانان، از آنان می‌خواهد در برابر آزار دشمنان صبر و تقوا پیشه کنند که مایه‌ی استواری آنان در ایمان می‌گردد» (قرآنی، ۱۳۸۷: ۱/۶۶۹).

شش

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاهُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ- ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ﴾ خداوند، سخن آن‌ها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی‌نیازیم» شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت؛ و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می‌نویسیم)؛ و به آن‌ها می‌گوییم: «بچشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)» این به خاطر چیزی است که دست‌های شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شما است) و به خاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی‌کند ﴿(آل عمران: ۱۸۱).

در این آیه می‌گوید: «خدا سخن کفرآمیز آنان (یهود) را که گفتند: خداوند فقیر است و ما غنی هستیم شنید» ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاهُ﴾ بنابراین، انکار آن‌ها بیهوده است، سپس می‌گوید: نه تنها سخنان آن‌ها را می‌شنویم «بلکه همه‌ی آن‌ها را خواهیم نوشت و (همچنین) به قتل رسانیدن پیامبران را به ناحق» می‌نویسیم ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ ثبت و حفظ اعمال آن‌ها برای این است که روز رستاخیز آن را در برابر آن‌ها قرار می‌دهیم «و می‌گوییم اکنون نتیجه اعمال خود را به صورت عذاب سوزان بچشید» ﴿و نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/۳۵۷).

در تفسیر فی ظلال القرآن آمده: «جمعی از نصاری نجران خدمت پیامبر ﷺ آمده و تعبیر قرآن درباره‌ی مسیح ﴿و كلمه الله ... وَ رُوحٌ مِنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۱) را دستاویز خود قرار داده و می‌خواستند برای مسئله «تثلیث» و «خدایی» مسیح از آن سوءاستفاده کنند و درباره‌ی عقاید

خود با پیامبر ﷺ به مناظره و مخاصمه می‌پرداختند و آن همه‌ی آیاتی که با صراحت تمام در قرآن هرگونه شریک و شبیه را از خداوند نفی می‌کند نادیده انگارند آیه‌ی ۷ سوره‌ی آل‌عمران نازل شد و به آن‌ها پاسخ قاطع داد» (طبری، ۱۴۲۴: ۴/۲۴۱).

هفت

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آن‌ها اساس کتابند و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل‌پذیرند] اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن [به‌دلخواه خود] از متشابه‌آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند [آنان که] می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود﴾ (آل‌عمران: ۷).

نتیجه‌گیری

سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران، مؤمنین را به توحید کلمه و صبر و ثبات در دفاع از اسلام و تقویت آن دعوت می‌کند و آنان را به حساسیت موقعیت ایشان در برابر دشمنانی مانند منافقان، اهل کتاب و مشرکان (که در آن زمان عزم خود را بر مبارزه با اسلام جزم کرده بودند)، متوجه می‌سازد و حقایق دین را به ایشان تذکر می‌دهد و شبهات و وسوسه‌های منکران را از دل‌های آنان می‌زداید.

به‌گفته‌ی بعضی از مفسران مشهور، این سوره در خلال سال‌های جنگ بدر و جنگ احد (سال‌های دوم و سوم هجرت) نازل شده است و بخشی از طوفانی‌ترین دوران‌های زندگی مسلمین را در صدر اسلام منعکس می‌کند. سراسر آیات سوره‌ی آل‌عمران، احتمالاً مدنی است، اما نباید آن‌را از سوره‌های نخستینی دانست که در مدینه نازل شدند، چرا که این سوره،

الْأَلْبَابِ

پس از گذر مدتی طولانی (که مسلمین طی این مدت در مدینه به سر بردند) نازل گردید. ضمن همین مدت طولانی بود که رویدادهای مربوط به فتح و پیروزی و یا هزیمت و شکست مسلمین، دگرگونی مطلوبی در حالاتشان به ارمغان آورده، و اوضاع را متحول ساخت.

پیامبر اسلام ﷺ از همان ابتدای رسالت خود مأموریت یافت تا خدایی را که به معرفت او دست یافته بود به ساکنان شرک زده‌ی مکه معرفی کند و آن‌ها را به توحید و یکتاپرستی فراخواند. او می‌دانست که ساختار متصلب فکری و اجتماعی مکه انجام چنین مأموریتی را با دشواری‌هایی همراه خواهد کرد.

در صدر اسلام، منافقان بسیاری در مدینه، همراه پیامبر و میان اصحاب آن حضرت بودند. اینان برای نابودی اسلام نقشه‌ها کشیدند و ماجراها آفریدند. نبی اکرم ﷺ در زمان حیات خود، از آن‌ها دلی پر غصه داشتند و نسبت به آینده امت اسلامی از آن‌ها نگران بودند و نسبت به آن‌ها هشدار می‌دادند. آنچه بیشتر از همه برای ما اهمیت دارد، شیوه‌ی برخورد رسول خدا ﷺ در برابر منافقان به عنوان اخلاق حکومتی و شیوه‌ی تدبیر سیاسی آن حضرت است که می‌تواند و باید الگوی رفتاری رهبران و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی قرار گیرد. پس بسیار با اهمیت و آموزنده است که یک‌بار صفحات زرین تاریخ زندگی رسول گرامی ﷺ را با این هدف ورق بزنیم.

اهل کتاب نیز، سعی کردند با لجاجت و عناد با پیامبر ﷺ شبهه‌افکنی، ایجاد تفرقه، اختلاف و تحقیر و تمسخر رسول الله ﷺ و پیروانش، فضای داخلی مدینه را مسموم ساخته و به‌اخلال‌گری در مرکز حکومت اسلامی پردازند. از سوی دیگر آنان همگام با منافقین مدینه مشرکان مکه را نیز برای هجوم به مدینه تحریک و تحریص می‌کردند تا با فشار همه‌جانبه بر پیامبر ﷺ و مسلمانان به مقاصد شوم خویش دست یازند. راه‌کار اصلی پیامبر ﷺ در مقابل یهودیان بر پایه‌ی مدارا و نرمش استوار بود. ایشان در تعامل با یهودیان، نخست همزیستی همراه با مسالمت و ملاحظت را در پیش گرفتند. با نگاهی به سیره‌ی رسول الله ﷺ سیاست‌گذاری ایشان برای ایجاد پیوندهای سیاسی، نظامی و

اجتماعی میان مسلمانان و یهودیان کاملاً نمایان می‌گردد. رسول‌الله ﷺ ضمن وضع سلسله مقررات مسالمت‌آمیزی در قانون اساسی مدینه، معاهداتی را صرفاً با یهودیان خارج از مدینه منعقد می‌سازند؛ اما یهود عهدشکن نقض پیمان نموده و تمام اصول معاهده را زیر پای نهادند. به تدریج با خیانت‌های متعدد یهودیان، پیامبر ﷺ از هدایت و همزیستی با آن‌ها دلسرد گردید و نرمش و مسالمت را دیگر به مصلحت ندانست؛ در نتیجه با تاسی به کلام وحی (عنکبوت: ۴۶) تصمیم گرفت فضای مدینه را از لوث وجود این قوم گستاخ و پیمان‌شکن پاک نماید. پیامبر ﷺ در تعامل با مسیحیان سه موضع دعوت به اسلام، پرداخت جزیه و درنهایت، جنگ را در پی گرفتند.

می‌توان نتیجه گرفت که وجود ارتباط بین مفاد آیات سوره‌ی آل‌عمران با کارکردهای هریک از طوایف یادشده در زمان نزول آن‌ها، حقیقتی تردید‌ناپذیر می‌باشد؛ و طرح مباحث متنوعی همانند: توحید، صفات متنوع خداوند، معاد، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی، تبری و حج؛ و نیز بیان تاریخ انبیایی مانند آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و داستان حضرت مریم و عبرت‌های غزوه احد و غزوه بدر در خلال این سوره، می‌تواند شاهدی بردرستی نتیجه مذکور باشد.

الاحزاب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۳۸۰). مترجم ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۷). سید الرضی، مترجم محمد دشتی، الهادی، قم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۷). *علل الشرائع*، مترجم سید محمد جواد ذهنی تهرانی، علویون، تهران.
 ۲. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۳۹۰). *الطبقات الکبری*، فرهنگ و اندیشه، تهران.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا). *التحریر و التنویر*، مؤسسه‌ی تاریخ العربی، بی جا.
 ۴. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغة*، دارالفکر، بیروت.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، (بی تا). *لسان العرب*، دارصادر، بیروت.
 ۶. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، (بی تا). *السیرة النبویه*، دارالمعرفة، بیروت.
 ۷. آلوسی، سید محمود، (۱۴۳۶). *روح المعانی*، دارالفکر، بیروت.
 ۸. آملی، سید حیدر، (۱۳۸۱). *البحر المحیط فی تفسیر المحیط الاعظم و البحر الخضم*، نورعلی نور، بی جا.
 ۹. انصاری، خواجه عبدالله، (۱۳۹۳). *تفسیر کشف الاسرار*، مؤلف علی اصغر حکمت، احمد بن محمد میبیدی، امیرکبیر، تهران.
 ۱۰. جعفریان، رسول، (۱۳۹۹). *تاریخ سیاسی اسلام*، دلیل ما، تهران.
 ۱۱. جمعی از نویسندگان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۹۴). *اعلام قرآن از دایرة المعارف قرآن کریم*، بوستان کتاب، قم.
 ۱۲. جواد آملی، عبدالله، (بی تا). *تفسیر تسنیم*، اسراء، قم.
 ۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷). *الصحاح*، دارالعلم للملایین، بیروت.
 ۱۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳). *تفسیر اثنتی عشری*، میقات، تهران.
 ۱۵. دانش، محمد قدیر، (۱۳۸۷). *رسول خدا و استراتژی ایشان در برابر خط نفاق*، معرفت، ش ۱۲۹.
 ۱۶. رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸). *روض الجنان*، چ ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
 ۱۷. راغب اصفهانی، محمد بن مکرّم، (۱۳۷۴). *مفردات فی الفاظ القرآن*، مترجم و محقق غلامرضا خسروی، چ ۲، مرتضوی، تهران.
 ۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، (بی تا). *تفسیر قرآن مهبر*، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم.
 ۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، قم.
 ۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مترجم علی کرمی، طبع و نشر، تهران.

۲۱. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۲۴). **جامع البیان**، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۲۲. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۹). **التبیان فی تفسیر القرآن**، آل البیت، بیروت.
۲۳. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۶). **بصائر ذوی التمییز**، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، قاهره.
۲۴. قراتی، محسن، (۱۳۸۷). **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۲۵. قرطبی، محمدبن احمد، (بی تا). **تفسیر قرطبی**، مؤسسه‌ی تاریخ العربی، بی جا.
۲۶. محقق، سیدمحمدباقر، (۱۳۸۴). **نمونه‌ی بینات در شان نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه**، اندیشه‌ی اسلامی، تهران.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲۸. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۸۶). **تفسیر کاشف**، بوستان کتاب، قم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴). **پیام قرآن**، نسل جوان، قم.
۳۰. _____، (۱۳۸۰). **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، قم.
۳۱. موسوی بجنوردی و همکاران، (۱۹۹۸). **دانشنامه‌ی بزرگ اسلامی**، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.

الأخبار